



**محاسباتی که بارزانی آنها را در نظر نگرفته بود**

## غروب زودهنگام رؤیاهای «کاک مسعود»

**کنکاش**  
روح‌الله صالحی

**مسعود بارزانی پس از ۱۲سال تکیه‌زَن بر مسند ریاست اقلیم کردستان،**

**زمانی که تصور می‌کرد زمان برای تحقق رؤیای جدایی کردها فراهم شده، با اشتباه محاسباتی که در همه‌پرسی جدایی از عراق مرگ تب شد، علاوه بر اینکه رؤیاهای دیرینه‌اش بر باد رفت، با بزرگ‌ترین قمار سیاسی، ریاست خود را نیز از دست داد.**

زمانی که مسعود بارزانی، رئیس اقلیم کردستان در رؤیای برگزاری همه‌پرسی جدایی کردستان از عراق بود و به رغم هشدارهای جهانی همچنان بر این مسئله اصرار داشت، شاید تصور نمی‌کرد که در مدت کمتر از یک ماه همه چیز به ضرر تمام شود. بارزانی که در سوادِی تحقق آرزوی پدرش برای تأسیس دولت کرد بود، وارد بازی خطرناکی شد که نه تنها جدایی کردستان عملی نشد، بلکه داشته‌های قبلی خود را نیز از دست داد و شکست دیگری در کارنامه‌ای رهبر کرد ثبت شد. بارزانی و نیروهای پیشمرکه در دوران اشاگلری دانش با استفاده از فرصت به دست آمده برخی مناطق عراق را به تصرف خود درآوردند و به رغم هشدارهای دولت مرکزی از تحویل این مناطق به بغداد خودداری کردند تا با جدایی کردستان در دوران پسدادامی تصمیمه کردن مناطق نفت‌خیز به اقلیم، قلمرو کردستان را توسعه دهند، اما چند هفته پس از برگزاری رفراندوم جدایی، نیروهای عراقی در عملیات ضربتی توانستند این مناطق را که برای

**کنکاش**  
**دکتر سید نعمت‌الله عبد‌الرحیم زاده**

قرار است شش کشور عضو در شورای همکاری خلیج‌فارس دسامبر آینده نشستنی در کویت داشته باشند و روشن است که شیخ صباح الاحمد الصباح، امیر کویت، پیش از هر کس می‌خواهد این نشست با موفقیت تمام برگزار شود. او برای بسترسازی این نشست با حضور سفیر سابق عربستان سعودی، رفقت تا با ملک سلمان بن عبدالعزیز، پادشاه سعودی، دیدار و گفت‌وگویی داشته باشد. هیچ شکی نیست که اختلاف چند ماه اخیر بین آل سعود و متحدان اماراتی، بحرینی و مصری بسا قهقری‌ها انگیزه آن سفر شیخ کویت بود، چراکه معلوم نیست با حضور قطر، سعودی‌ها یا اماراتی‌ها و بحرینی‌ها حاضر شوند به کویت بروند تا در نشست شورا شرکت کنند. شیخ کویت از آن سفر نتیجه‌ای نگرفت و مثل چندین و چند سفر گذشته کویتی‌ها، او نتوانست شاه سعودی را راضی کند تا با گذاشتن قدمی به عقب فرصت حل اختلاف را به او بدهد و بدتر از این، توثیت‌های وزیر خارجه بحرین هم نشان داد که نگرانی او چندان خالی از وجه نیست. خالد بن احمد آل خلیفه، وزیر خارجه بحرین، در پیام توثیتری خود اعلام کرده است در صورت مشارکت قطر در نشست سران شورای همکاری خلیج فارس، بحرین حاضر به شرکت در آن نشست نخواهد شد. این پیام نمی‌تواند بدون اشاره سعودی‌ها صادر شده باشد، چراکه مقام‌های بحرینی در عمل نشان داده‌اند چیزی جز عوامل بی‌اختیار و اراده سعودی‌ها نیستند و همین نکته اصلی است که هم نشست کویت را به خطر انداخته است و هم اصل شورای همکاری خلیج فارس را.

**فرآیند تشکیل شورا**

شورای همکاری خلیج فارس با همان‌گونه که به صورت رسمی گفته می‌شود؛ مجلس التعاون الخلیجی GCC، می ۲۵ در ۱۹۸۱، بعد از تلاش‌های همین کویت تشکیل شد. شیخ احمد الصباح آن موقع سمت ولعهدی کویت را داشت و از یک دهه قبل از این تاریخ سعی می‌کرد تا نوعی همکاری بین کشورهای عربی خلیج فارس در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایجاد کند و برای تحقیق این هدف بود که در ۱۶ می ۱۹۷۵ سفری به امارات داشت تا در آنجا تشکیل هیئت مشترک وزیران کویت و امارات بگوید که دست‌کم سالی دو بار جلسه مشترک داشته باشند. اجلاس وزیران اطلاعات کشورهای کویت، عربستان، امارات، بحرین، قطر، عراق و عمان در ژانویه سال بعد در ابوظبی، اجلاس مشترک این هفت کشور همراه با ایران در نوامبر همان سال که البته منجر به شکست کامل شد، بیانیه مشترک کویت، عربستان،

کردها‌اهمیت ویژه‌ای داشت، پس بگیرند. این پایان کار نبود و شرایط بدتر از آن چیزی که بارزانی فکر می‌کرد، پیش رفت و علاوه بر فشارهای منطقم‌های و بین‌المللی، او در داخل اقلیم نیز با چالش‌های زیادی روبه‌رو شد که ادامه کار را سخت‌تر کرد. اینکه چرا کردها به رغم پیروزی نسبی در همه‌پرسی نتوانستند به رؤیای صد ساله خود دست پیدا کنند را باید در عوامل زیر جست‌وجو کرد:

**■ مخالفت ظاهری قدرت‌های بزرگ**

زمانی که بارزانی روی همه‌پرسی جدایی از عراق پافشاری می‌کرد برخی گمانه زنی‌ها حاکی از این بود که کردها به حمایت بین‌المللی بسه‌ویژه آمریکا پس از جدایی از عراق داگرم هستند و شاید با اکثریت قاطع رأی کردها، جامعه بین‌المللی مجبور خواهد شد این مسئله را بپذیرد و روی این تصور اشتباه بود که بارزانی وارد یک بازی شده که از همان ابتدا محکوم به شکست بود. هر چند سناریوی تجزیه عراق و جدایی کردستان اولین بار توسط جو بایدن، سناتور وقت آمریکا در سال ۲۰۰۷ مطرح شد،اما در زمان برگزاری همه‌پرسی کردها، مقامات امریکایی حداقل در ظاهر مخالف

چنین سیاستی بودند. هر چند برخی تصور می‌کردند با حمایت رژیم صهیونیستی و برخی سنناتوری‌ها در جست‌وجو آمریکا از مواضع کردها، احتمالاً واشنگتن به کردها چراغ سبز نشان داده است،اما مقامات امریکایی در محاسبات خود و در راستای منافع منطقه‌ای در دوران پسا‌داعش و افزایش نفوذشان در عراق ناچار طرف بغداد را گرفتند. این حسد

و گمان وجود دارد که امریکایی‌ها برای مقابله با نفوذ ایران سعی دارند به بغداد نزدیک شوند و در این میان از حمایت کردها برای دست یافتن به معامل‌های بزرگ دست کشیدند. مخالفت امریکا و اروپا و حتی روسیه با جدایی کردستان، ادامه راه را برای کردها دشوار کرد و بارزانی به بن بستنی دچار شد که همه چراغ‌های پیش‌روی خود را خاموش می‌داند. ناگفته پیداست کهه در نظم کنونی بین‌المللی تأسیس یک دولت جدید به شناسایی نیاز دارد و باید از سوی قدرت‌های جهانی به رسمیت شناخته شود تا بتواند به عنوان هویت مستقل اعلام موجودیت کند،اما در مورد کردستان اینگونه نشد. حتی رژیم صهیونیستی که پیش از برگزاری همه‌پرسی موضع کردها را به خوبی سنجیده بود و همین تصور اشتباه، هزینه‌های زیادی را برای او به همراه داشت و اولین مهر‌هایی که بارزانی روی صفحه شطرنج سیاسی حرکت می‌داد، از همان ابتدا به شکست منجر بود.

**■ مزاجی**

در مجموع، می‌توان گفت که بارزانی بدون توجه به فشارهای دیپلماتیک برای تعویق همه‌پرسی جدایی کردستان و اشتباه محاسباتی درباره اوضاع داخلی و بین‌المللی، سبک‌ترین قمار سیاسی خود را انجام داد که علاوه بر عقب‌نشینی از جدایی‌طلبی، بسیاری از مناطق تحت کنترل اقلیم را به نیروهای عراقی واگذار کرد. محاصره شدن از سوی کشورهای همسایه و قطع صادرات نفتی به خارج عملاً کردها را بر شرایط بدی قرار داد و آن‌را منقبت‌اریل در مذاکرات سیاسی با بغداد نسبت به گذشته تضعیف شده‌است که حتی امکان دارد در گفت‌وگوهای آینده از برخی امتیازات سیاسی خود نیز عقب‌نشینی کند. از سویی، کردها بدون وحدت، انسجام و حل

مهم‌ترین اقدامی که سبب شکست پروژه کردستان شد مخالفت همه جانبه ترکیه و ایران بود که با جدیت در مقابل سناریوی تجزیه‌طلبانه کردها صف آرایی کردند و چه بسا در صورت ادامه اصرار اقلیم، به مداخله نظامی نیز کشیده می‌شد. بستن مرزهای ترکیه و ایران به روی اقلیم و تسلط بر شاهرگ

منابع نفتی این منطقه، چنان سریع انجام شد که بارزانی در تصمیم‌گیری درست درمانده شد. او زمانی که واکنش جدی کشورهای منطقه را مشاهده کرد، به ناچار با مذاکرات سیاسی و تعلیق همه‌پرسی موافقت کرد. ترکیه که پیش از این به خاطر معاملات نفتی روابط نزدیکی با کردستان داشت و با توجه به اینکه شاهرگ اقتصادی اقلیم را به دلیل عبور خطوط لوله نفت در اختیار داشت، نگران سرایت جدایی‌طلبی در مرزهای جنوبی خود موضع خصمانه‌ای علیه کردها گرفت تا آنها را از این اقدام منصرف کند.

**■ اطمینان به پیروزی مقابل عراق**

یکی از دلایلی که به شکست پروژه کردستان منجر شد، محاسبات اشتباه بارزانی از واکنش دولت مرکزی عراق بود. بارزانی که نسبت به قدرت نیروهای تحت حمایتش اطمینان زیادی داشت، تصور می‌کرد که بغداد در مقابله با کردها دست به عصا عمل خواهد کرد و از ترس شکست در مقابل پیشمرکه‌ها وارد دبرند با کردها نخواهد شد، اما تحولات میدانی اینگونه که بارزانی فکر می‌کرد، نبود و نیروهای عراقی در عملیاتی گسترده که حاصل بیش از دو سال تجربه ر ویاورویی با داعش بود، با کمترین تلفات توانستند مناطق تحت کنترل کردها را باز پس بگیرند. از دست دادن مناطق نفت‌خیز کرکوک که می‌توانست کردستان را در صورت جدایی از عراق از لحاظ اقتصادی تأمین کند، اکنون در دست دولت مرکزی بود و همین مسئله بود که پس از آزادی کرکوک، بارزانی تعلیق همه‌پرسی برای از سرگیری مذاکرات با بغداد را اعلام کرد. از طرفی، بارزانی احتمال می‌داد در صورت حمله عراقی‌ها به کرکوک، احتمالاً امریکایی‌ها مخالفت کنند،اما واشنگتن در بحران کرکوک، موضع بی‌طرفانه گرفت و کردها را در مقابل بغداد تنها گذاشت.

**■ اختلاف نظرهای داخلی**

هر چند بارزانی از ماه‌ها پیش مخالفت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را به جان خریده بود و از این مسئله آگاه بود، اما چیزی که وی انتظار آن را نداشت اختلاف نظر در درون احزاب کردستان بود که در بصیحه همه‌پرسی تشدید شد،او که به قول خودش برای خدمت به همه کردها تلاش می‌کرد، احتمال نمی‌داد نخبگان و رهبران کرد مقلبان صف آرایی کنند و زمانی که به حمایت آنها نیاز داشت، به‌اوضه بزند. ظاهر این‌ها موضوع کردها را به خوبی سنجیده بود و همین تصور اشتباه، هزینه‌های زیادی را برای او به همراه داشت و اولین مهر‌هایی که بارزانی روی صفحه شطرنج سیاسی حرکت می‌داد، از همان ابتدا به شکست منجر بود.

**■ جزایبی**

در مجموع، می‌توان گفت که بارزانی بدون توجه به فشارهای دیپلماتیک برای تعویق همه‌پرسی جدایی کردستان و اشتباه محاسباتی درباره اوضاع داخلی و بین‌المللی، سبک‌ترین قمار سیاسی خود را انجام داد که علاوه بر عقب‌نشینی از جدایی‌طلبی، بسیاری از مناطق تحت کنترل اقلیم را به نیروهای عراقی واگذار کرد. محاصره شدن از سوی کشورهای همسایه و قطع صادرات نفتی به خارج عملاً کردها را بر شرایط بدی قرار داد و آن‌را منقبت‌اریل در مذاکرات سیاسی با بغداد نسبت به گذشته تضعیف شده‌است که حتی امکان دارد در گفت‌وگوهای آینده از برخی امتیازات سیاسی خود نیز عقب‌نشینی کند. از سویی، کردها بدون وحدت، انسجام و حل مشکلات خودراهی نمی‌توانند رؤیای کشور کردستان را عملی کنند، بنابراین به نظر می‌رسد محاسبات اشتباه بارزانی، رؤیای تأسیس دولت کردستان را نقش بر آب کردند و اکنون بافول رؤیای کردها، راه سختی پیش‌روی آنها گشوده شده‌است که به گفته بارزانی فقط کوه‌ها یاور کردنستان هستند.

شکاف‌هایی که به آسانی پر نمی‌شود

## شورای ناهمکاری خلیج فارس!

قطر، بحرین، امارات و عمان در دسامبر ۱۹۷۸، از جمله اقدامات در دهه ۷۰ بود که برخی از آنها به ابتکار شیخ کویتی انجام می‌شد که شاید اتحادی بین این کشورها شکل گیرد. با وجود این اقدامات، رقابت سنتنی بین شیوخ عربی خلیج فارس مانع از تشکیل هر گونه اتحادیه‌ای بین آنها می‌شد تا وقوع انقلاب اسلامی و تجاوز نظامی عراق به ایران در دهه ۸۰ باعث شد تا این شیوخ به دلیل حمایت از صدام حسین، خود را در صف واحدی ببینند و همین نیز انگیزه اصلی برای تشکیل شورای همکاری خلیج فارس را به آنها داد. تنها دو ماه از جنگ تحمیلی می‌گذشت که کویت در اجلاس سال ۱۹۸۰ سران عرب در امان، پایتخت اردن، یک استراتژی مشترک و همکاری در زمینه‌های مختلف را از کشورهای عربی خلیج فارس درخواست کرد و در ژانویه سال بعد و در شهر طائف عربستان و حاشیه کنفرانس سران اسلامی، طرحی برای دور ننگ داشتن خلیج فارس از منازعات بین‌المللی ارائه کرد. وزرای خارجه کویت، عربستان، امارات، قطر، بحرین و عمان در ماه‌های فوریه، مارس و آوریل ۱۹۸۱ در ابوظبی توافق تشکیل شورای همکاری بین شش کشور عربی در می ۱۹۸۱ به امضای سران این کشورها رسید و این شورا به وجود آمد.

**■ زمینه‌های همکاری**

همانگونه که تشکیل این شورا به صورتی کند و بیشتر به



### استاندار دو گانه غرب

#### در برخورد با جدایی‌طلبی

**رویتکرد**

**دکتر سیدرضا میر طاهر**

جهان اکنون با کانون‌های فعال جدایی‌طلبی در مناطق مختلف از جمله خاورمیانه و اروپا مواجه است. با این حال به دلیل اینکه تمامیت ارضی مهم‌ترین اصل قوام‌بخش یک کشور محسوب می‌شود، لذا در واکنش به درخواست‌ها با اقدامات جدایی‌طلبانه، همواره دولت‌ها با جدایی‌طلبی ایالت‌ها یا مناطق جدایی‌طلب مخالفت کرده‌اند. در برخی موارد درخواست‌های جدایی‌طلبانه منجر به بروز جنگ داخلی با شکل گیری گروه‌ها و جنبش‌های شبه نظامی شده، در حالی که در مواردی مانند جدایی‌طلبی در اروپای غربی مانند جدایی‌طلبی اسکاتلند از بریتانیا یا جدایی‌طلبی کاتالونیا از اسپانیا، فعالیت‌های جدایی‌طلبانه در قالب کنش‌های سیاسی ظهور یافته است. یکی از مسائلی که در زمینه جدایی‌طلبی همواره جلب توجه می‌کند، موضع دو گانه غرب درباره این پدیده‌است. غربی‌ها همواره در برخورد با مسائل رویکرد دو گانه را مدنظر قرار داده‌اند. این مسئله‌ای است که اعتراض شدید صربستان را توجه به حمایت همه جانبه غرب از جدایی‌طلبی منطقه کوزوو در جنوب این کشور آن هم بدون رضایت دولت مرکزی برانگیخته است. در واقع موضع اتحادیه اروپا در غیرقانونی دانستن همه‌پرسی کاتالونیا در حالی که چند سال پیش از استقلال کوزوو به عنوان «یک مورد خاص» حمایت کرده، باعث خشم صربستان شده و به همین دلیل دولت بلگراد، اتحادیه اروپا را به اتخاذ «استانداردهای دو گانه» متهم کرده‌است. الکساندر ووچچ، رئیس‌جمهور صربستان در اوایل اکتبر ۲۰۱۷ اتحادیه اروپا را به دورویی و استفاده از استانداردهای دو گانه متهم کرد، چرا که این نهاد اروپایی، استقلال کوزوو را به رسمیت شناخته، اما همه‌پرسی کاتالونیا را محکوم کرده و آن را غیرقانونی دانسته‌است. به همین دلیل رئیس‌جمهوری صربستان با اشاره به این نحوه برخورد آن را بهترین نمونه برای نشان دادن استانداردهای دو گانه و تزویر در عرصه سیاست جهانی تلقی کرده‌است.

**■ جدایی‌طلبی کوزوو**

کوزوو با اکثریت قومی آلبانیایی تبار در اگوست ۲۰۰۸ بدون برگزاری همه‌پرسی از صربستان اعلام استقلال کرد. «هاشم تاجی» رئیس‌جمهور کوزوو مدعی است اعلام استقلال کوزوو از صربستان به طور یکجانبه نبوده، بلکه با هماهنگی شرکای بین‌المللی صورت گرفته است. تاکنون بیش از ۱۱۳ کشور جهان استقلال کوزوو را به رسمیت شناخته‌اند. با این حال کشورهای مهمی نیز از شناسایی کوزوو به عنوان یک کشور مستقل خودداری کرده‌اند. هر چند کوزوو از صربستان اعلام استقلال کرده ولی بلگراد هیچ گاه این مسئله را قبول نکرده و آن را غیرقانونی می‌داند. یکی از دلایل عمده ادامه مخالفت صربستان با استقلال کوزوو، حمایت همه جانبه روسیه از بلگراد بوده است، در غیر این صورت صربستان نمی‌توانست در برابر فشار بسیار زیاد اتحادیه اروپا و دیگر کشورهای غربی مانند آمریکا برای پذیرش استقلال کوزوو مقاومت کند. مسکو نیز هیچ گونه انعطافی در این زمینه از خود نشان نداده است. دلیل این مسئله جدای از همراهی با صربستان به عنوان متحد قدیمی روسیه در حوزه بالکان که دارای قربان‌های زیادی و فرهنگی زیادی در روسیه و روابط گسترده سیاسی، نظامی و اقتصادی با مسکو است، به هراس روسیه از تبدیل به رویه شدن اعلام استقلال یکجانبه در حقوق بین‌الملل بر می‌گردد. روسیه خود یکی از کشورهایی است که به طور بالقوه در معرض تجزیه به خصوص با تحریک غربی‌ها قرار دارد. در مقطع کنونی از پنج عضو دائم شورای امنیت، سه کشور غربی یعنی آمریکا، بریتانیا و فرانسه از استقلال کوزوو حمایت کرده‌اند، در حالی که دو عضو دیگر آن یعنی روسیه و چین کماکان مخالف این مسئله هستند. البته در سطح اروپا نیز اختلاف نظر مشابهی در این زمینه وجود دارد، در حالی که بیشتر کشورهای اروپایی استقلال کوزوو را به رسمیت شناخته‌اند، اما کشورهای اسپانیا، اسلواکی، رومانی، یونان و قبرس، کوزوو را همچنان بخشی از صربستان می‌دانند و آن را به عنوان کشوری مستقل به رسمیت نشناخته‌اند. این کشورها مانند اسپانیا یا خود با مسئله جدایی‌طلبی مواجه هستند، کم‌اینکه ایالت کاتالونیا به طور جدی خواهان جدایی از اسپانیاست یا اینکه به عنوان متحدان قدیمی صربستان و روسیه محسوب شده و به دلیل مواضع و منافع مشترک از موضع بلگراد در نفی استقلال کوزوو حمایت می‌کنند. بدین ترتیب به رغم اینکه ۱۱۳ کشور جهان استقلال کوزوو را به رسمیت شناخته‌اند، اما عضویت کوزوو در سازمان ملل به عنوان کشوری مستقل، چالش بزرگی برای دولت این منطقه محسوب می‌شود و با توجه به حمایت جدی روسیه و چین از مواضع صربستان نمی‌توان انتظار حل و فصل این مسئله را در آینده نزدیک داشت. بلگراد با تأکید بر اینکه کوزوو استان جنوبی صربستان است، اعلام یکجانبه استقلال آن را به رسمیت نمی‌شناسد و خواهان باطل کردن سند استقلال کوزوو از راه‌های دیپلماتیک و صلح آمیز است. از جمله پیامدهای اعلام استقلال کوزوو که بدون عبور از مجرای سازمان ملل و البته با اشاره و حمایت مستقیم آمریکا و برخی کشورهای اروپایی انجام شد، به چالش کشیدن مستقیم قوانین و نهادهای بین‌المللی بود. هر چند در نهایت دیوان بین‌المللی داد‌گستتری در سال ۲۰۱۰ رأی به قانونی بودن اعلام استقلال کوزوو در سال ۲۰۰۸ داد و اعلام کرد چنین اقدامی بدون رضایت دولت مرکزی (یعنی صربستان) مشروعیت داشته است. این در حالی است که حتی در کوزوو همه‌پرسی برای اعلام استقلال نیز انجام نشده است. با این حال اتحادیه اروپا، آمریکا و سایر کشورهای بلوک غرب به دلیل اینکه این اقدام در راستای منافع آنها بود و در عین حال به مفهوم تضعیف یکی از شرکای روسیه یعنی صربستان و در نهایت نفوذ مسکو در بالکان بود، با این اقدام همراهی کردند.

**■ نگاه متفاوت**

این در حالی است که در باره جدایی‌طلبی در کشورهای اتحادیه اروپا به ویژه در اسپانیا و بریتانیا، بروکسل و واشنگتن به هیچ وجه نظر مساعدی ندارند و به شدت با این مسئله مخالفت می‌ورزند. به گفته دکتر سیدعلیرضا موسوی، کارشناس اروپا در حال حاضر گرایش‌های تجزیه‌طلبانه در کشور بلژیک با توجه به چندفرهنگی بودن این کشور کوچک، منطقه تیبرول جنوبی در کشور ایتالیا یا منطقه‌های ولژ واکالندن در بریتانیا وجود دارد که با برگزاری همه‌پرسی تجزیه‌طلبی در اسپانیا، قدم‌های حقوقی را برای استقلال می‌توانند بردارند. در حالی که اتحادیه اروپا بر وحدت و همگرایی کشورهای عضو در همه عرصه‌ها تأکید دارد، جدایی‌طلبی در این کشورها به مثابه حرکتی معکوس در مسیر همگرایی و در واقع به مثابه واگرایی و فریو‌پاشی اتحادیه اروپا خواهد بود. لذا اتحادیه اروپا اکنون در راستای منافع خود از تحركات جدایی‌طلبانه در کشورهای این اتحادیه حمایت نمی‌کند. از سوی دیگر اکنون اسپانیا به عنوان یک عضو مهم اتحادیه اروپا در معرض آزمون سختی قرار گرفته‌است. سران مدار پدیده خوبی از این مسئله آگاه هستند که اگر موضعی منفعلانه در قبال استقلال طلبی کاتالونیا اتخاذ کنند، نه فقط باید شاهد از دست رفتن این منطقه بسیار مهم برای قدرت ملی به ویژه اقتصاد اسپانیا باشند بلکه جدایی کاتالونیا، موتور محر که استقلال خواهی برخی دیگر از مناطق این کشور به ویژه باسک خواهد بود که دهها سال سابقه مبارزه مسلحانه برای جدایی از اسپانیا را توسط سازمان جدایی‌طلب باسک موسوم به «اتا» را در کارنامه خود دارد. مقامات اروپایی نگرانی جدی‌تری دارند و آن تشویق دیگر مناطق جدایی‌طلب در اروپا برای تلاش بیشتر به منظور جدایی از اتحادیه محار است. در رأس این مناطق اسکاتلند قرار دارد که به ویژه پس از همه‌پرسی جدایی بریتانیا از اتحادیه اروپا (برگزیت) اکنون به طور جدی خواهان جدایی از بریتانیا و پیوستن به اتحادیه اروپا به عنوان یک کشور مستقل است. در صورت عملی شدن استقلال کاتالونیا از اسپانیا، مقامات محلی اسکاتلند می‌توانند با استناد به آن، خواهان تسریع و عملی شدن جدایی از بریتانیا شوند. ضمن اینکه کانون دیگر جدایی‌طلبی مانند بلژیک و شمال ایتالیا نیز بیش از پیش فعال شده و این به مثابه نقض اساسی‌ترین اصل وجودی اتحادیه اروپا یعنی همگرایی اروپایی خواهد بود. مقامات اروپا بر یافتن هرچه سریع‌تر راهی برای پایان دادن به بحران موجود آمده در پی همه‌پرسی جدایی کاتالونیا از اسپانیا در این کشور تأکید دارند. در عمل نیز دولت مرکزی اسپانیا بر خورد قاطعانه‌ای با جدایی‌طلبی کاتالونیا با عزل مقامات، انحلال پارلمان و تعلیق خود مختاری و به دست گرفتن امور آن انجام داد.

**■ جمع بندی**

اعمال معیارهای دو گانه در زمینه جدایی‌طلبی صرفاً یکی از موارد رویکرد دهای دو گانه غرب در برخورد با مسائل است. در واقع در رویکرد و عملکرد غرب در دیگر موارد از جمله برخورد با تروریسم نیز تناقضی آشکاری وجود دار د. به طور کلی استفاده از معیارها یا استانداردهای دو گانه در برخورد با مسائل مهم و حساسی مانند جدایی‌طلبی و تروریسم از سوی غرب، نه تنها منجر به حل و فصل این مسائل نشده، بلکه باعث گسترش آنها در نواحی مختلف شده و حتی این پدیده اکنون به معضلی برای آنها تبدیل شده است.